

واژه‌شناسی نشانه‌های ظهور و قیام در منظومه معارف مهدوی

حمید نگارش*

مهدی صبائی**

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۵]

چکیده

یکی از زیرشاخه‌های مباحث مهدوی، بحث نشانه‌های ظهور است. در کنار عبارت نشانه‌های ظهور، عبارت نشانه‌های قیام نیز مطرح شده است. واژه «علائم الظهور» در زبان عربی و «نشانه‌های ظهور» در زبان فارسی، در پژوهش‌ها و تحقیقات مهدوی فراوان به کار رفته است و برخی محققان با قطعی دانستن ورود این عبارت در معارف مهدوی، به بحث درباره این موضوع پرداخته‌اند؛ اما با بررسی آموزه‌های مهدوی روشن می‌شود که این عبارت نه تنها در روایات، بلکه در بیان دانشمندان هم‌عصر پیشوایان معصوم^۷ نیز به کار برده نشده است. در نتیجه برخی محققان در به کارگیری این واژه تردید کرده‌اند. این تحقیق بر آن است ضمن بیان تفاوت‌های میان واژه قیام و ظهور در ادبیات دینی، با بیان شواهد و مستندات لازم، دلایل درستی به کارگیری عبارت نشانه‌های ظهور و سازگاری آن با آموزه‌های مهدوی را تبیین و پیامدهای این دیدگاه را نمایان کند.

کلیدواژه‌ها: ظهور، قیام، نشانه، علامت، مهدویت.

* استادیار گروه کلام و فلسفه پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) (نویسنده مسئول).

hamid_negarsh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری رشته کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث قم. hame.negarsh@yahoo.com

مقدمه

«ظهور» در لغت به معنای «آشکار شدن چیزی که پیش‌تر ظاهر نبوده است»، می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۷/۴) و در اصطلاح، به معنای «ظاهر شدن مهدی (عج) پس از دوران طولانی پنهان زیستن، برای برپایی حکومت عدل جهانی» است (سلیمان، ۱۳۹۵: ۸). «قیام» در لغت به معنای «ایستادن» و متضاد معنای نشستن است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۵۰۴/۱۲) و در اصطلاح عبارت است از: «نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین» (سلیمان، ۱۳۹۵: ۱۰). پس از دانستن معنای ظهور و قیام، لازم است تفاوت میام ظهور و قیام مهدی (عج) نیز بررسی شود.

اهمیت این پژوهش از لحاظ استدلالی است مبنی بر اینکه بررسی روایات واردشده درباره نشانه‌های ظهور نشان می‌دهد که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام درصدد بیان نشانه‌های «قیام» آن حضرت بودند تا مردمی که در آستانه ظهور حضرت هستند با توجه به نشانه‌های ارائه‌شده، خود را برای همراهی آن حضرت در قیام آماده کنند. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِي وَ الْخَسْفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْيَمَانِي؛ پنج علامت پیش از قیام قائم عبارت است از: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، گرفتگی خورشید، کشته شدن نفس زکیه و قیام یمانی» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۹۴/۱۵). تعبیر «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ» شاهد ادعای مذکور است. بنابراین جایگاهی برای بحث از نشانه‌های ظهور و کارکردهای آن و به دنبال آن دیدگاه‌های مرتبط با این کارکردها باقی نمی‌ماند.

استدلال ذکرشده را در قالب منطقی، این‌گونه می‌توان ارائه کرد:

صغرا: نشانه‌های ذکرشده در روایات، مربوط به ظهور نیست، بلکه مربوط به قیام و خروج است. به دیگر بیان بررسی‌ها حاکی است که عبارت علائم الظهور در زبان عربی و نشانه‌های ظهور در زبان فارسی، به این صورت و مانند آن، نه تنها در روایات که در بیان دانشمندان هم عصر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز به‌کاربرده نشده است (سلیمان، ۱۳۹۵: ۱۵).

کبرا: ظهور و قیام به یک معنا است. چنان‌که برخی از اندیشمندان بزرگ شیعه نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند و در برخی روایات، ظهور و قیام به یک معنا به‌کار رفته است؛ امام باقر علیه‌السلام در بخشی از یک روایت می‌فرماید: «الامام يبشرهم بقيام القائم و

بظهوره و بقتل اعدائهم؛ امام ایشان را به قیام قائم و ظهورش و کشته شدن دشمنانشان بشارت می‌دهد» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۰۷/۲) و این خود سبب شده تا افرادی، هر دو را در یک معنا به کار برند، مانند نعمانی که عنوان باب چهاردهم *الغیبه* را نهاده است: «ما جاء فی العلامات التي تكون قبل قیام القائم و یدل علی ان ظهوره یکون بعدها کما قالت الائمة عليها السلام»؛ علامت‌هایی که پیش از قیام قائم آمده و دلالت می‌کند که ظهورش بعد از آن است همان‌گونه که ائمه عليهم السلام گفته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۷). آقای سلیمان در مقاله «تبارشناسی واژگانی ظهور مهدی در منابع اسلامی» در این باره می‌نویسد: «البته این انتساب نشانه‌ها به قائم، قیام، ظهور و خروج در دوران معاصر نیز به پیروی از گذشتگان ادامه داشته است. به نظر می‌رسد ظهور، قیام و خروج، یک پدیده تلقی شده است» (سلیمان، ۱۳۹۵: ۱۷).

نتیجه: پس می‌توان نشانه‌های مربوط به قیام را، به ظهور نسبت داد.

این مقاله در ادامه پس از تبیین تفاوت‌های بین ظهور و قیام، یکسان دانستن ظهور و قیام را رد کرده، در نهایت پیامدهای این دیدگاه را بیان می‌کند.

۱. تفاوت میان ظهور و قیام

همان‌طور که منطقی‌دانان گفته‌اند، ابطال نتیجه نیازمند ابطال کبرا است. به نظر می‌رسد از دو راه می‌توان کبرا را باطل کرد که یکی از آنها اثبات تفاوت میان ظهور و قیام است. برخی پژوهشگران دلایل متعددی را برای ابطال کبرا (یکی بودن معنای ظهور و قیام) ذکر کرده‌اند تا بدین وسیله بر صحت به‌کارگیری عبارت نشانه‌های ظهور خدشه وارد کنند. در ادامه در سه بخش به برخی تفاوت‌ها میان دو واژه ظهور و قیام، اشاره می‌شود:

۱.۱. تفاوت‌هایی که پذیرفتنی نیست

برخی بین دو واژه ظهور و قیام این‌گونه تفاوت نهاده‌اند که شرط ظهور، آمادگی یاران خاص و شرط قیام، آمادگی یاران عام است. یکی از مهدوی‌پژوهان در این زمینه می‌نویسد: «از جمله شرایط ظهور، آماده شدن یاران خاص امام مهدی (عج) است. یکی از عواملی که ظهور حضرت را به تأخیر می‌اندازد و حضرت را همچنان در پس پرده غیبت نگه می‌دارد، آماده نبودن سیصد و سیزده یار خاص حضرت است. البته برای قیام

جهانی امام مهدی (عج)، افزون بر وجود یاران خاص، به یاران عام نیز نیاز است که در برخی روایات بدان اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَمَا لَوْ كَمَلَتْ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الْغُذَى تُرِيدُونَ؛ اگر آن تعداد سیصد و اندی، تکمیل شود، خواسته شما انجام خواهد گرفت» (ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۲۰۳). از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که با مهیا شدن ۳۱۳ تن از یاران خاص، ظهور امام مهدی (عج) تحقق می‌یابد و با مهیا شدن یاران خاص و عام، قیام حضرت آغاز می‌شود. پس در واقع، آمادگی یاران خاص، شرط ظهور و آمادگی یاران خاص و عام، شرط قیام حضرت مهدی (عج) است. درباره آمادگی یاران عام از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

سپس از مکه خارج می‌شود مثل اینکه در حلقه است. ابوبصیر می‌گوید: پرسیدم حلقه چیست؟ فرمود: ده‌هزار مرد است که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند و در آن هنگام پرچم را به اهتزاز درمی‌آورد و همه جا می‌گرداند و این همان پرچم و زره سابق پیغمبر است و شمشیر پیغمبر به نام «ذوالفقار» را نیز حمایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۵۲).

ولیکن این تفاوت را نمی‌توان پذیرفت، زیرا بسیار بعید به نظر می‌رسد که تنها شرط ظهور، آمادگی سیصد و سیزده نفر دانسته شود - که البته این امر هم در طول چند قرن هنوز به دست نیامده است - و آمادگی مردم تأثیری در ظهور حضرت نداشته باشد، اگرچه در قیام حضرت مؤثر باشد؛ زیرا شواهد گوناگونی بر تأثیرگذاری مردم در امر ظهور وجود دارد از جمله اینکه در روایات آمده است مدت حکومت امام مهدی علیه السلام کوتاه است، بنابراین در زمان غیبت آن حضرت باید نیروها پرورش یابند و برای ظهور آماده شوند؛ چنان‌که بر اساس نظریه تکامل نیز انسان‌ها با آمادگی تدریجی خود زمینه ظهور را فراهم می‌کنند.

۱.۲. تفاوت‌هایی که دلیل آنها پذیرفتنی نیست

از جمله تفاوت‌های میان ظهور و قیام، تفاوت در زمان تحقق آنها است. برای اثبات این تفاوت به روایاتی که خروج امام مهدی علیه السلام را مانند خروج رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌داند، استناد می‌شود با این توضیح که:

از این تشبیه استفاده می‌شود که حضرت پیش از قیام فراگیر و جهانی خود آشکار شده و ضمن ابلاغ رسالت خویش، برای قیام در برابر دشمنان، بر حقانیت خود اتمام حجت می‌کند، چراکه فاصله زمانی مناسبی بین بعثت پیامبر اکرم ﷺ و مبارزه آن حضرت و مشرکان وجود داشت که در آن فاصله پیامبر ﷺ به بیان دستورات الهی و اتمام حجت بر دشمنان اقدام فرمود. بدین معنا که اعتماد آنها را به خود به دست آورد (سلیمان، ۱۳۹۵: ۱۴).

در وجه تشابه به شکلی که در مطلب فوق گفته شد، اشکالی وجود دارد، زیرا در تشبیه ممکن است وجوه شباهت متعددی وجود داشته باشد و شاید برخی از وجوه تشابه مدنظر گوینده نباشد؛ چنان‌که معروف است در تشبیه «فلان کالاسد؛ فلانی همانند شیر است»، همان‌طور که ویژگی ممتاز شیر که شجاعت است می‌تواند به عنوان وجه شبه مطرح می‌باشد، کریح الفم و بوی بد دهان او نیز می‌تواند مقصود گوینده باشد؛ ولی آنچه تعیین‌کننده وجه شبه است، مقام یا مقصد گوینده است. در این روایت نیز به حکم «اهل البیت ادری بما فی البیت»، مراجعه به روایت و شأن صدور آن می‌تواند به شناسایی وجه شبه کمک کند؛ در روایتی محمد بن مسلم نقل می‌کند:

بر امام باقر ﷺ وارد شدم و می‌خواستم از قائم آل محمد پرسش کنم، امام ﷺ پیش از آنکه من سؤال کنم فرمود: «ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد شباهتی با پنج تن از انبیا دارد: یونس بن متی و یوسف بن یعقوب و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم؛ شباهت او با یونس بن متی ﷺ آن است که وقتی پس از غیبت خود در کبر سن بازمی‌گردد جوان است. شباهت او با یوسف بن یعقوب ﷺ آن است که از خاص و عام غایب می‌شود و از برادرانش نیز مخفی است و امر او بر پدرش هم پوشیده است، با وجود آنکه مسافت کمی بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش بود. شباهت او با موسی ﷺ دوام خوف و طول غیبت و خفای ولادت و رنج شیعیانش پس از وی است که آزار و اذیت و خواری می‌بینند تا آنکه خدای تعالی اذن ظهور دهد و او را بر دشمنانش پیروز کند. شباهت او با عیسی ﷺ اختلافی است که درباره وی ایجاد می‌شود تا حدی که گروهی می‌گویند متولد نشده، گروهی می‌گویند

فوت کرده و گروهی می‌گویند کشته شده و به صلیب آویخته شده است و اما شباهت او با جدش محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خروج او با شمشیر است و اینکه او دشمنان خدا و رسولش و جباران و طاغیان را خواهد کشت. او با شمشیر و رعب یاری می‌شود و هیچ پرچمی از او بازمی‌گردد...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۳۲۸).

چنان‌که در این روایت مشاهده می‌شود وجه شباهت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خروج و قیام با شمشیر است.

۱.۳. تفاوت‌هایی که در حکم میان ظهور و قیام تغییری ایجاد نمی‌کند

در این بخش می‌توان به دو تفاوت اشاره کرد:

تفاوت اول: ظهور دفعی است ولی قیام تدریجی است. شیخ صدوق در این زمینه گفته است:

ظهور امری دفعی و ناگهانی است، اما قیام امری تدریجی است که با تدبیر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام رخ می‌دهد. در این باره از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: «مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُرَيْتِكَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْ قَتَلَهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛ چه زمانی «قائم» از ذریه‌ات ظهور می‌کند؟ فرمود: ظهور او همانند وقوع قیامت است که جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد و حتی در آسمان‌ها و زمین، سنگین [و با اهمیت] است و جز به‌طور ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۳۷۳).

تعبیرات به‌کاررفته در این روایت نظیر واژه «بغته» و تشبیه وقت ظهور به وقت قیامت، حاکی از ناگهانی و دفعی بودن ظهور است؛ چنان‌که در قرآن نیز بر دفعی بودن وقت قیامت تأکید شده است. پس وقت ظهور نیز مثل وقت قیامت ناگهانی خواهد بود؛ اما چنان‌که بیان شد، قیام و نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) به صورت تدریجی شروع می‌شود و روایتی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به این مطلب اشاره دارد: «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَ عَلَيَّ نَجَفِ الْكُوفَةِ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ

مِكَائِيلُ عَنْ شَمَالِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛ گویا حضرت قائم عجله را می‌نگرم که از مکه به همراه پنج هزار فرشته، در حالی که جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنان پیش رویش هستند، به نجف کوفه آمده و به شهرها لشکر می‌فرستند» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۲).

تفاوت دوم: زمان ظهور نزد خداوند است، ولی زمان قیام به عهده رهبر قیام است. نویسنده کتاب حج و مهدویت در تبیین این تفاوت می‌نویسد:

علم به زمان ظهور تنها نزد خداوند است و کسی غیر از او نمی‌تواند زمان دقیق ظهور را تعیین کند. از این رو وقوع ظهور به وقوع قیامت تشبیه شده است و چنانچه زمان وقوع قیامت را تنها خدا می‌داند، زمان وقوع ظهور را نیز فقط خدا می‌داند. البته رهبر جهانی، زمان شروع قیام و نهضت جهانی را تعیین می‌کند و با تدبیر ایشان چگونگی قیام مشخص می‌شود. امام مهدی (عج) در توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب نوشت، فرمود: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛ اما ظهور فرج، بسته به خواست خداوند است و تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغ گو هستند» (طبرسی، ۱۴۷۰: ۱۴۰۳/۲).

توجه به این نکته لازم است که اگرچه این تفاوت‌ها را می‌توان پذیرفت، ولیکن نمی‌توان با اثبات این نوع تفاوت‌ها، تفاوت این دو واژه از نظر حکم را نتیجه گرفت؛ زیرا آنچه در این قسمت مهم است تبیین تغایر و تفاوت‌هایی است که در احکام میان آنها تفاوت ایجاد کند و موجب اثبات نشانه‌هایی برای «قیام» و نفی این نشانه‌ها از «ظهور» شود، درحالی‌که تفاوت نهادن بین معنای ظهور و قیام یا تفاوت از این جهت که زمان ظهور نزد خداست ولی زمان قیام بر عهده رهبر قیام است، چنین تأثیری ندارد. این گونه تفاوت‌ها مانند تفاوت بین دو برادر از جهت سن و قدرت جسمی و... و تأثیر آن بر تقسیم ارث است. بی‌تردید دو برادر تفاوت‌های ظاهری فراوانی با یکدیگر دارند، ولیکن هیچ‌یک از این تفاوت‌ها سبب نمی‌شود در مقدار سهمی که ارث می‌برند تفاوت پیدا کنند.

۲. ابطال دلیل‌های ارائه‌شده بر یکی بودن معنای ظهور و قیام

در مقاله «تبارشناسی واژگانی ظهور مهدی در منابع اسلامی» دلایلی برای به کار رفتن دو واژه قیام و ظهور در یک معنا، ذکر شده است که بررسی و نقد آن در ادامه می‌آید. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «الامام یبشرهم بقیام القائم و بظهوره و بقتل اعدائهم؛ امام ایشان را به قیام قائم و ظهورش و کشته شدن دشمنانشان بشارت می‌دهد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷). کیفیت استدلال با این روایت باید این‌گونه باشد که حضرت در مقام بشارت، ظهور را بعد از قیام مطرح می‌کند، درحالی‌که ترتیب اقتضا دارد اول ظهور مطرح شود؛ این مسئله حاکی از آن است که حضرت تفاوتی میان این دو واژه قائل نیست.

در پاسخ به این استدلال باید گفت استعمال لفظ در غیر معنای خود مشروط به آن است که استعمال لفظ در معنای خودش با محذوری همراه باشد و حال آنکه هیچ محذوری در استعمال الفاظ روایت در معنای خود نیست؛ چراکه حضرت به آمدن حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌کند و طبیعی است که این آمدن از ظهور، قیام و جنگ تشکیل می‌شود. بنابراین بدون آنکه ترتیب میان این مراحل را رعایت کند به آنها اشاره کرده است.

گفتیم که عنوان باب چهاردهم کتاب نعمانی نیز عبارت است از: «ما جاء فی العلامات الّتی تکون قبل قیام القائم و یدل علیان ظهوره یکون بعدها کما قالت الائمة علیها السلام؛ علامت‌هایی که پیش از قیام قائم است و دلالت می‌کند بر اینکه ظهورش بعد از آن است، چنان‌که ائمه علیهم السلام نیز گفته‌اند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۷). این عنوان نه به جهت یکی دانستن معنای قیام و ظهور، بلکه به جهت فاصله زمانی کوتاه از ظهور تا قیام است؛ گویی هم‌زمان با ظهور، قیام هم واقع می‌شود و بدین سبب از علامت‌های ظهور به علامت‌های قبل از قیام یاد می‌کند. از برخی عبارات‌های دعای ندبه نیز می‌توان این تقارن زمانی بین ظهور و قیام را استفاده نمود مانند: «متی ترانا ونراک و قد نشرت لواء النصر تری؛ چه زمان تو ما را بینی و ما تو را در حالی که پرچم پیروزی را برافراشته‌ای» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۹/۹۹). این عبارت دیدن امام را همراه با پرچم برافراشته قیام توصیف می‌کند.

با اینکه کبرا در این استدلال باطل است اما نتیجه صحیح است، کبرای صحیح عبارت است از: «نزدیک بودن زمان ظهور به زمان قیام». بر این اساس برهان این‌گونه می‌شود که:

صغرا: نشانه‌های ذکرشده در روایات مهدوی، درباره ظهور نیست، بلکه درباره قیام و خروج است.

کبرا: میان زمان ظهور و زمان قیام فاصله اندکی وجود دارد.

نتیجه: پس می‌توان نشانه‌های قیام را، به ظهور نسبت داد.

البته این نتیجه فارغ از موارد خاصی است مانند روایاتی که از رویدادهای بعد از ظهور خبر می‌دهند و مرادشان از نشانه‌های ذکرشده، نشانه قیام است؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده‌اند:

يقول القائم عليه السلام لأصحابه يا قوم ان اهل مكة لا يريدونني. لكنني مرسل اليهم لاحتج عليهم بما تنبغي لمثلي ان يحتج عليهم، فيدعوا رجلاً من اصحابه فيقول له: امض الى اهل مكة... فاذا تكلم هذا الفتى بهذا الكلام اتوا اليه فذبحوه بين الركن و المقام و هي النفس الزكية فاذا بلغ ذلك الامام قال لاصحابه لاخبرتمكم ان اهل مكة لا يريدوننا فلا يدعونني حتى يخرج... حضرت قائم عليه السلام به يارانش می‌فرماید: «ای قوم من، مردم مکه مرا نمی‌خواهند تا آن‌گونه که برای همانند من شایسته است، حجت را بر آنان تمام کنم و فرستاده‌ای به سوی ایشان بفرستم». پس یکی از یارانش را فرامی‌خواند و به او می‌فرماید: «به سوی اهل مکه برو...». وقتی سخن این جوان تمام می‌شود به او هجوم می‌آورند و در میان رکن و مقام او را سر می‌برند. او همان نفس زکیه است. چون خبر این ماجرا به امام مهدی علیه السلام می‌رسد، به یاران خویش می‌فرماید: «آیا به شما خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟ پس آنها حضرت را رها نمی‌کنند تا آن حضرت خروج می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۵۲).

این روایت به یکی از نشانه‌ها که شهادت نفس زکیه است اشاره دارد ولی روشن است که بعد از تحقق ظهور دیگر نشانه برای ظهور معنا نخواهد داشت.

برای اثبات کبرا می‌توان به روایاتی که در این باره واردشده استناد نمود از جمله

روایتی از امام رضا علیه السلام که فرموده‌اند:

إِنَّ الْقَائِمَ يَنَادِي بِاسْمِهِ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَلَا يَبْقَى رَاقِدًا إِلَّا قَامَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رَجُلِيهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ؛ قائم در شب ۲۳ ماه رمضان به نامش ندا داده می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کند؛ هیچ خوابیده‌ای نیست مگر آنکه بلند می‌شود از آن صدا و هیچ ایستاده‌ای نیست مگر آنکه می‌نشیند و هیچ نشسته‌ای نیست مگر اینکه می‌ایستد بر دو پایش؛ و آن ندا صدای جبرئیل است (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۱۱۱۶/۳).

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

يَنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي يَوْمٍ سِتٍّ وَعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ لَكَائِي بِهِ يَوْمَ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛ قائم [حضرت مهدی علیه السلام] در روز ۲۶ ماه رمضان به نامش ندا داده می‌شود و در روز عاشورا که روز شهادت سیدالشهدا علیه السلام است، قیام می‌کند. همانا در آن شبیه‌ای که عاشورا در آن واقع شود، همراه او هستیم، درحالی که بین رکن و مقام ابراهیم ایستاده است (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۹).

بنابراین مراد از نشانه‌های قیام در روایات، همان نشانه‌های ظهور است و نباید میان این دو تفکیک کرد و در مواردی نیز که به صورت مطلق آمده است، باید آن را بر نشانه‌های ظهور حمل کرد. چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قَبْلَ الْقَائِمِ علیه السلام خَمْسُ عِلْمَاتٍ: السُّفْيَانِي، وَ الْيَمَانِي، وَ الْمُرَوَّانِي، وَ شَعِيبُ بْنُ صَالِحٍ، وَ كَفُّ تَقْوُلُ هَذَا، هَذَا؛ پنج علامت پیش از قیام وجود دارد: سفیانی، یمانی، مروانی، شعیب بن صالح و کف دستی که می‌گوید: این است این است» (طبری آملی، ۱۴۱۳: ۴۸۷). اگرچه تعبیری همچون «قبل القائم» شامل قبل از ظهور و قبل از قیام می‌شود ولیکن با توجه به توضیحات گفته شده مراد علائم ظهور است.

افزون بر این در مجموعه روایات نشانه‌های ظهور، سه روایت وجود دارد که علاوه بر دلالت بر تلاقی قیام یمانی با خروج سفیانی، آغاز این دو جنبش و جنبش خراسانی را دقیقاً در یک سال و یک ماه و یک روز بیان کرده است. امام باقر علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند: ...خروجُ السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنّةٍ واحده فی شهرٍ واحد فی یومٍ واحد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۲): خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است. از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده است: «و قد یكونُ خروجُه و خروجُ الیمانی من الیمین مع الراياتِ البیضِ فی یومٍ واحد و شهرٍ واحد و سنّةٍ واحده؛ خروج سفیانی و خروج یمانی با پرچم‌های سفید از یمین در یک روز و یک ماه و یک سال خواهد بود...». اینکه قیام یمانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز است، کنایه از شدت پیوستگی این دو رخداد دارد و این امر منافاتی با وجود فاصله اندک میان آن دو ندارد. قرینه‌ای که این نکته را تأیید می‌کند، جمله‌ای است که در ذیل حدیث امام باقر علیه السلام آمده است. آن حضرت پس از بیان اینکه قیام یمانی و سفیانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است، فرموده‌اند: «نظامُ کنظامِ الخرزِ یتبع بعضُه بعضاً؛ با نظام و ترتیبی همچون نظام رشته‌ای که به بند کشیده شده هر یک از پی دیگری» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۲). این عبارت تصریح می‌کند که این حوادث چون رشته‌ای منظم، پی‌درپی رخ خواهند داد و فاصله اندکی میان آنها وجود دارد» (آیتی، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۸).

این نتیجه را شواهد متعددی از آموزه‌های مهدوی نیز تأیید می‌کند که در ادامه به برخی اشاره می‌شود:

۱. تفکیک نشانه‌های ظهور از نشانه‌های قیام و اختصاص نشانه‌های اشاره‌شده در روایات، به نشانه‌های قیام، موجب می‌شود که ذکر نشانه‌ها لغو باشد، زیرا بر اساس برخی روایات، فاصله بین ظهور و قیام حضرت حداکثر چهار ماه هست، چراکه طبق روایات، سال ظهور و قیام یکی است اما ماه ظهور حضرت، رمضان و ماه قیام، محرم خواهد بود و این مدت اندک نیازمند آوردن این همه نشانه نیست، زیرا بعد از ظهور حضرت همه مردم انتظار قیام را از آن حضرت دارند.

۲. اگر مراد از نشانه در روایات، نشانه‌های قیام باشد، تفکیک نشانه به حتمی و غیرحتمی معنا نخواهد داشت چراکه قیام حضرت قطعی است و فلسفه ظهور حضرت در قیام آن حضرت است؛ بنابراین تقسیم نشانه‌های قیام به این دو قسم بی‌معنا خواهد بود.

۳. در برخی روایات از واژه «فرج» استفاده شده است و مردم امر شده‌اند به منتظر فرج بودن یا دعا برای تعجیل در فرج و برداشت عمومی از فرج، همان ظهور در کنار قیام آن حضرت است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَمَسَاءً؛ هر صبح و شام منتظر فرج باشید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶۵). همچنین در دعاهای فراوانی مردم به خواندن دعا و درخواست تعجیل در فرج توصیه نشده‌اند، از جمله دعایی که از امام موسی بن جعفر علیهما السلام در تعقیب نماز عصر نقل شده است با این مضمون که:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَالْيَكَّ الْبَدَاءُ... . أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. تَمَحَّوْ مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ... أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ؛ تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست. خواستن از تو است و اختیار بداء هم با تو است... . تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست. آنچه را بخواهی از بین می‌بری و [آنچه را بخواهی] به ثبت می‌رسانی و ام‌الکتاب نزد تو است... از تو درخواست می‌کنم که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان درود فرستی و در فرج انتقام گیرنده از دشمنان، شتاب فرمایی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۱/۸۶).

۴. در روایات متعددی عبارت «ظهور با شمشیر» نقل شده است مانند «يُظْهِرُ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالسِّيفِ؛ قائم از اهل بیت من با شمشیر ظهور می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۷/۲۱). این واژه حکایت‌گر این معنا است که ظهور همراه با قیام است و نمی‌توان این دو را از یکدیگر تفکیک کرد.

۵. اگر نشانه‌های ذکر شده در روایات، نشانه‌های قیام باشد، باید به یکی از نشانه‌های مهم قیام که همان ظهور است، اشاره می‌شد؛ چراکه باید ظهوری محقق گردد تا نوبت

به قیام برسد. درحالی‌که در هیچ روایتی، از ظهور به عنوان یکی از نشانه‌ها نام برده نشده است.

۶. روایات فراوانی از تعیین زمان، نهی کرده‌اند و در مقابل به بیان نشانه‌ها پرداخته‌اند تا دل‌های تشنه مشتاقان را تا حدی سیراب کنند. بر این اساس اگر روشن شود که مراد پیشوایان، نهی از تعیین زمان ظهور است، به قرینه مقابله روشن خواهد شد که مراد از نشانه‌ها نیز نشانه‌های ظهور است. با مراجعه به روایات روشن می‌شود که نهی از تعیین زمان ظهور مدنظر بوده است. در روایتی آمده است: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛ ظهور فرج با خداوند است و وقت‌گذاران دروغ‌گو هستند» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/ ۴۸).

۷. برداشت علما و پژوهشگران مهدوی از این روایات و تبیین آنها از نشانه‌های ظهور، شاهد دیگری بر این مدعی است که تفاوت اندک فاصله بین ظهور تا قیام موجب شده تا برخی اندیشمندان شیعه از علائم ظهور به علائم قیام تعبیر کنند؛ چنان‌که شیخ مفید نشانه‌ها را به ظهور نسبت داده، می‌نویسد: «فانا نقول: ان الاخبار قد جائت عن ائمة الهدی من آباء الامام المنتظر عليه السلام بعلامات تدل عليه قبل ظهوره؛ ما می‌گوییم: همانا اخباری از ائمه هدی رسیده است از پدران امام منتظر که بر علامات پیش از ظهور دلالت می‌کند» (مفید، بی‌تا: ۱۲۱). مقدسی نیز ضمن انتساب نشانه‌ها به ظهور، به پیش از ظهور بودن نیز تأکید کرده است (مقدسی، ۱۴۲۲: ۱۵۳). همچنین نیلی نجفی عنوان فصل یازدهم کتاب خود را «فی ذکر علامات الظهور» گذاشته است (نیلی نجفی، ۱۳۶۰: ۱۷۴). مرعی بن یوسف کرمی نیز در کتاب خود نشانه‌ها را مربوط به ظهور دانسته، می‌نویسد: «الباب الثالث فی علامات الظهور: اعلم ان لظهور المهدی علامات جائت به الاثار و الاحادیث و الاخبار؛ باب سوم، درباره علامات ظهور: بدان ظهور مهدی علاماتی دارد که در آثار و احادیث و اخبار آمده است (کرمی، ۱۴۲۱: ۲۵۵).

۸. مروری اجمالی بر روایاتی که به زمان تحقق نشانه‌ها پرداخته‌اند، نشانگر این معنا است که نشانه‌ها متعلق به ظهور است. این روایات را می‌توان بر دو دسته تقسیم کرد:

۸/۱ روایاتی که از تحقق چند نشانه قبل از ظهور خبر می‌دهند؛ در روایتی امام صادق عليه السلام در پاسخ به شخصی که از زمان خروج حضرت سؤال کرد، فرموده‌اند:

قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ! مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ لَنَا نُوقِتُ، وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عِلْمَاتٍ: أَوْلَاهُنَّ النَّدَاءُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ خُرُوجُ الْخُرَّاسَانِيِّ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِيَّةِ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ؛ أَي ابومحمد! ما خاندانی هستیم که وقت تعیین نمی‌کنیم و محمد عليه السلام فرمودند: آنان که تعیین وقت می‌کنند دروغ می‌گویند. ای ابومحمد! پیش از این امر پنج نشانه وجود دارد: اول ندایی است در ماه رمضان و بعد خروج سفیانی و خروج خراسانی و کشته شدن نفس زکیه و خسف بیداء (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۱).

به قرینه سخن حضرت مبنی بر اینکه «آنان که تعیین وقت می‌کنند، دروغ می‌گویند»، روشن می‌شود که سؤال راوی از زمان ظهور حضرت بوده است و نه از زمان قیام به‌طوری که حضرت تصریح می‌کند این پنج نشانه قبل از ظهور محقق خواهد شد. ۸/۲. از بررسی روایاتی که برای برخی نشانه‌ها زمان خاصی را معین کرده‌اند، روشن می‌شود تحقق این نشانه‌ها قبل از ظهور است نه قبل از قیام. در ادامه زمان برخی نشانه‌ها بررسی می‌شود.

بررسی زمان نشانه‌های ظهور

زمان قیام سفیانی و یمانی

درباره زمان قیام سفیانی و یمانی بر اساس تحقیق یکی از محققان حوزه مهدویت، ظهور سفیانی در ماه رجب سال ظهور محقق می‌شود و یمانی نیز حداقل در بخشی از زمان با قیام سفیانی تلاقی خواهد داشت. پس قیام یمانی هم در همین ایام خواهد بود و با توجه به ظهور حضرت در ماه رمضان، روشن می‌شود قیام سفیانی و یمانی دو ماه قبل از ظهور واقع خواهد شد. در کتاب *تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور* درباره زمان قیام یمانی آمده است:

تعیین زمان دقیق قیام یمانی نیز مانند زمان ظهور و سایر نشانه‌های آن برای ما میسر نیست، لیکن روایات متعددی به پیوستگی جنبش یمانی با قیام سفیانی

دلالت دارند... از مجموع این روایات و روایاتی که خواهد آمد، به تلاقی جنبش یمانی و سفیانی، حداقل در بخشی از زمان، می‌توان مطمئن شد و از آنجاکه بر اساس روایات متعدد و معتبر خروج سفیانی از علائم سال ظهور است، قیام یمانی نیز از نشانه‌های نزدیک به ظهور خواهد بود. از جمله روایات معتبری که بر پیوستگی قیام سفیانی با ظهور - و در نتیجه پیوستگی قیام یمانی با ظهور - دلالت دارند، این روایت از امام باقر علیه السلام است: «...فَيُنزِلُ امِيرُ جَيْشِ السَّفِيَانِيَّةِ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءَ أَيُّدِي الْقَوْمِ فَيُخَسِفُ بِهِمْ... وَ الْقَائِمُ يَوْمئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسَنَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِرًا بِهِ فَيُنَادِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸)؛ امیر سپاه سفیانی در منطقه بیداء فرود می‌آید، پس ندادهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: ای بیداء این گروه را در خود فرو ببر! پس آنها در زمین فرو می‌روند... قائم علیه السلام در آن روز در مکه حضور دارد و درحالی که به خانه کعبه پناهنده شده و به آن تکیه کرده است ندا می‌دهد: ای مردم...» (آیتی، ۱۳۹۰: ۸۱).

چنان که پیش از این نیز گفته شد سه روایت وجود دارد که علاوه بر دلالت بر تلاقی قیام یمانی با خروج سفیانی، آغاز این دو جنبش و جنبش خراسانی را دقیقاً در یک سال و یک ماه و یک روز بیان کرده است. بنابراین از مجموع روایات یادشده تلاقی قیام یمانی و سفیانی و نیز هم‌زمانی دقیق آغاز حرکت یمانی و سفیانی و خراسانی اثبات می‌شود. در این صورت قیام یمانی در ماه رجب آغاز خواهد شد، زیرا امام صادق علیه السلام در حدیث معتبری فرموده‌اند: «إِنَّ أَمْرَ السَّفِيَانِيَّةِ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِومِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ؛ حرکت سفیانی از نشانه‌های حتمی است و در ماه رجب روی خواهد داد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۶۵۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۷).

زمان خسف

«خسف بیداء» یکی از نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام است که در بسیاری از روایات از آن سخن گفته شده است. این نشانه از دو واژه «خسف» و «بیداء» تشکیل شده است. واژه خسف در لغت به معنای فرورفتن است و واژه بیداء به معنای بیابانی است که در

آن چیزی نباشد؛ اما مقصود از این واژه در اینجا و نیز در بیشتر کاربردهای آن در روایات، منطقه‌ای میان مکه و مدینه است (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۱۷۱/۱). مقصود از خسف بیداء این است که یکی از لشکرهای سفیانی که قصد کشتن امام مهدی علیه‌السلام را دارد در سرزمین بیداء در زمین فرو می‌رود و از رسیدن به هدف شوم خود ناکام می‌ماند. یکی از پژوهشگران حوزه مهدویت بعد از بررسی روایات مختلف درباره زمان این نشانه می‌نویسد:

در خصوص زمان تحقق خسف دو دسته روایت وجود دارد که هر کدام مشتمل بر دو روایت معتبر است و تعداد روایات دسته اول شش عدد و بیشتر از دسته دوم است. البته این کثرت به اندازه‌ای نیست که باعث ترجیح آن بر دسته دوم روایات شود... از این رو درباره زمان دقیق خسف و نسبت زمانی آن با ظهور امام مهدی علیه‌السلام به صورت قاطعانه نمی‌توان قضاوت کرد (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این رویداد برای یکی از لشگریان سفیانی اتفاق می‌افتد، می‌توان زمان تقریبی آن را با توجه به تعیین زمان خروج سفیانی به دست آورد و نیاز به ذکر آن به صورت مستقل در محل بحث نیست، ولی چون در روایات بر آن تأکید شده است، در این قسمت مطرح شد.

زمان صیحه آسمانی

منظور از صیحه آسمانی ظاهراً صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) از آسمان شنیده می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴۴۳/۲). در برخی روایات زمان این رویداد شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان معین شده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۴).

نویسنده مقاله «بررسی نشانه‌های ظهور» در این زمینه می‌نویسد: «با توجه به آنکه در روایات دیگری، خبر از ظهور حضرت در عاشورا داده شده است، می‌توان نتیجه گرفت واقع شدن ندای آسمانی در همان رمضان و پیش از محرم است که فاصله آن تا ظهور سه ماه و هفده روز بیشتر نخواهد بود» (اسماعیلی، ۱۳۷۸: ۲۸۷).

زمان شهادت نفس زکیه

روایت‌های متعددی درباره زمان کشته شدن نفس زکیه نقل شده که برخی بر قبل از ظهور بودن این نشانه تصریح دارد، از جمله شیخ طوسی از یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «النفس الزکیة غلام من آل محمد علیه السلام اسمه محمد بن الحسن یقتل بلاجرم و لا ذنب فاذا قتلوه لم یبق لهم فی السماء عاذر و لا فی الارض ناصر فعند ذلک یبعث الله قائم آل محمد علیه السلام...؛ نفس زکیه نوجوانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام محمد بن حسن است، وی بدون گناه و جرم کشته می‌شود و چون او را کشتند، نه در آسمان عذرخواهی خواهند داشت و نه در زمین یآوری. در این هنگام خداوند قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را برخواهد انگیخت...» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۴).

همچنین عمار یاسر در روایتی طولانی درباره نشانه‌های دولت اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان سخن گفته و زمان ظهور امام عصر علیه السلام را چنین بیان کرده است:

فعند ذلک تقتل النفس الزکیة و اخوه بمکة ضیعة فینادی مناد من السماء ایها الناس ان امیرکم فلان و ذلک هو المهدی الذی یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ در این هنگام نفس زکیه و برادرش در مکه کشته می‌شوند، پس منادی از آسمان ندا می‌دهد ای مردم! همانا امیر شما فلانی است؛ او همان مهدی است که زمین را چنان‌که از ظلم و ستم پر شده است، از عدل و قسط پر خواهد کرد (همان).

مطابق این روایت بعد از کشته شدن نفس زکیه صیحه آسمانی اتفاق می‌افتد و چنان‌که گذشت زمان صیحه آسمانی در ماه رمضان است پس کشته شدن نفس زکیه هم در همین زمان واقع خواهد شد و با توجه به اینکه قیام در محرم است، پس این نشانه هم قبل از ظهور خواهد بود.

گرچه این روایت از معصوم نیست و وی این سخنان را به هیچ‌یک از پیشوایان معصوم نسبت نداده است، اما به نظر می‌رسد به دلیل شخصیت ممتاز و ویژه عمار، وی این کلام را از پیشوایان دینی شنیده و نقل کرده است. افزون بر اینکه از آنجا که انگیزه‌ای برای نسبت دادنِ دروغ به عمار یاسر وجود ندارد، می‌توان به صدور آن

روایت نیز مطمئن شد یا حداقل آن را مؤیدی بر آنچه گذشت به حساب آورد. البته برخی محققان قائل به تعدد صیحه هستند، چنان‌که در کتاب *روزگار رهایی* آمده است: «[بعد از کشته شدن نفس زکیه] وجدان مردم بیدار می‌شود و حضرت مهدی (عج) را جستجو می‌کنند تا با او بیعت کنند... بار دیگر جبرئیل ندا می‌دهد. این ندا و آن ندایی که در ماه رمضان بلند شده بود شک و تردید را از بین می‌برد» (سلیمان، ۱۳۶۸: ۵۶۵). اگرچه با توجه به روایتی که کشته شدن نفس زکیه را پانزده روز قبل از قیام می‌داند، نشانه بودن آن برای ظهور با تردید جدی مواجه می‌شود، اما اینکه این نشانه در کنار سایر نشانه‌های قبل از ظهور مطرح شده است، نشانه ظهور بودن آن را تقویت می‌کند.

جدای از بحث نقلی، با رویکرد عقلی نیز جایگاهی برای نشانه قیام بودن کشته شدن نفس زکیه وجود ندارد؛ چراکه با وجود تحقق سایر نشانه‌ها از جمله نشانه‌های حتمی، تردیدی باقی نمانده است که این نشانه برای قیام آن حضرت لازم باشد و اگر تردید یا ابهامی هم باشد، باید آن را در نشانه‌های ظهور جستجو کرد.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته و شواهد ارائه‌شده، به نظر می‌رسد مراد از واژه «قیام» در مبحث نشانه‌ها، همان «ظهور» باشد و اگر در روایات عبارت «نشانه‌های ظهور» به میان نیامده، به سبب ارتباط و علقه تنگاتنگ و عمیقی است که میان این دو واژه وجود دارد؛ اگرچه این ارتباط به معنای یکسانی و مترادف معنایی این دو واژه نیست. نتیجه بحث را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

نشانه‌های ذکرشده در روایات مهدوی، مربوط به ظهور نیست، بلکه مربوط به قیام و خروج است.

میان ظهور و زمان قیام فاصله اندکی وجود دارد.

پس می‌توان نشانه‌های مربوط به قیام را، به ظهور نسبت داد.

در این مقاله برای اثبات این گفتار روایات واردشده در این باره مورد استناد قرار گرفت و نتیجه آن شد که مراد از نشانه‌های قیام در روایات، همان نشانه‌های ظهور

است و نباید این دو را تفکیک کرد. در مواردی نیز که به صورت مطلق آمده است باید آن را بر نشانه‌های ظهور حمل کرد. این نتیجه را شواهد متعددی از آموزه‌های مهدوی نیز تأیید می‌کند که به هشت شاهد اشاره شد.

منابع

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۳). *الملاحم و الفتن*، قم: نشر صلوات.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸). *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۸). *چشم به راه مهدی (علیه السلام)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

الاهی نژاد، حسین (۱۳۹۱). *حج و مهدویت*، تهران: نشر مشعر.

آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰). *تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور*، قم: آینده روشن.

سلیمان، کامل (۱۳۸۶). *روزگار رهایی*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران: آفاق.

سلیمیان، خداداد (۱۳۹۵). «تبارشناسی واژگانی ظهور مهدی در منابع اسلامی»، پژوهش‌های

مهدوی، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دهم، ش ۳۸.

طبرسی، احمد، (۱۴۷۰). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳). *دلائل الإمامة*، قم: بعثت.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). *الغیبة، کتاب الغیبة للحجة*، قم: دار المعارف الإسلامية.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: هجرت.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین

علی علیه السلام.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی عجل

الله تعالی فرجه الشریف.

کرمی، مرعی بن یوسف (۱۴۲۱). *فرائد فوائد العکر، فی الامام المهدی المنتظر (علیه السلام)*،

بی‌جا: بی‌نا

کلینی، محمد (۱۴۲۹). *الکافی*، قم: دارالحديث.

١٤٢ / پژوهش‌نامه امامیه، سال سوم، شماره پنجم

مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣). *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مفید، محمد بن محمد. (بی تا). *الفصول العشره*. قم. کنگره شیخ مفید
مفید، محمد بن محمد. (١٤١٣) *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*. قم. کنگره شیخ مفید.
مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز (١٤٢٢). *عقد الدرر فی اخبار
المنتظر (علیه السلام)*، بی جا.
نعمانی، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب (١٣٩٧). *الغیبة*، تهران: نشر صدوق.
نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (١٣٦٠). *منتخب الانوار المصنیه فی ذکر القائم الحجة*، قم:
مطبعة الخيام.